

سونوگرافی لیلی و مجنون در سیرک



رضا اصحابیان
فوتبند شاعر و نظریه پرداز

دکتر دلش را گرفته بودم می خندید. گه گاهی هم که آرام می شد. تا صدای خنده خسرو را می شنید. دوباره می زد زیر خنده منشی در راباز کردوبی اجازه آمد تو صدای باز نشدن در. بین خنده ها گم شد. دکتر سرش را روی میز و خسرو، شکمش را بغل کرده بود و با چشم بسته می خندیدند. منشی منتظر ماند تا شرایط به حالت عادی برگردد ولی هیچ اتفاقی نیفتاد. آقای دکتر؟! خنده دکتر یکهو قطع شد. منشی لبخندی مصنوعی چسباند روی لبش، «خوبید آقای دکتر؟! خسرو پیش دستنی کرد رو به دو کتر گفت! ایشون رو باش! تازه می پرسه لیلی زن بود یا مرد؟! منشی از حرف خسرو دل خور شد؛ زل زده به دکتر و منتظر ماند که دو کتر جواب حرف بی ربط او را بدهد. دکتر اشک گوشه چشمش را گرفت. سرفه ریزی کرد و به خسرو گفت «البته ایسی که گفتمی برای این وقت ها نبود!» خسرو بلافاصله گفت «هان! راست می گی! این مال وقتیه که بابای لیلی، مامان لیلی رو برده سونوگرافی تا جنسیت بچه رو تشخیص بدنند!» منشی از حاضر جوابی بانمک خسرو خنده اش گرفت ولی سعی کرد نخندد. «دکتر لبش را می گزید؛ صدای خنده خفه شده اش از توی حلق شنیده می شد. منشی گفت «برم دکتر؟! خسرو به جای دو کتر، خیلی جدی گفت «تورو خدا بیایید بشینید! یه لحظه او مدیم خودتون رو ببینیم. ام صبح توی آشپز خونه اید!» این شوخی خسرو، دو کتر را منفرج کرد و صدای قهقهه دکتر، منشی را هم به خنده انداخت. سه نفری بی وقته خندیدند! منشی که دید قرار نیست فضا عوض شود به شوخی گفت «مطب که نیست، دیونه خونه ست!» و بلندتر از قبل خندید. دکتر و خسرو با

چند پله را که می رفتی پایین، از همه چیز چربی می چکید. چند میز و صندلی چرک مُرد و چربی گرفته و آدم هایی که از شلوغی خیابانی که من نامش را گذاشته بودم، «خیابان حسرت ها»، عبور کرده بودند و خودشان را رسانده بودند به کوچه ای پرماجرا. من چیزی از آن کوچه در خاطر م نبودم، آن کوچه با تصویری دیگر در ذهنم ثبت شده است. همه آدم ها از کارمندهای بانک های پر شمار «خیابان حسرت ها»، دست فروش های سراب تا قاب سازها و مهرسازهای کوچه و زائران خسته یا تازه به مشهد رسیده از سرما و گرما پناه آورده بودند به دو سیخ کوبیده و گوجه و نان تازه سنگک کبابی خسروی در کوچه شاهین فر کبابی خسروی اگر چه در کوچه شاهین فر بود اما من در خیابان دیگری ثبتش کرده ام. آن خیابان همان خیابان حسرت ها. خیابان سعدی بود با ویتن های پر زرق و برقی که کشتی گیران و فوتبالیست ها را رنگی و سیاه و سفید نشان می داد و می شد ساعت ها به رنگ های زمین چمن و لباس بازیکنان و شادی تماشاگران خیره شد. بعد ها با آمدن میکرو و سگاپلی استیشن این حسرت عمیق تر شد. من زمان های زیادی را با «ماربو» در خیابان سعدی قارچ خورده ام یا به قدرت پای و روبرو کارلوس، در فرقه ۹۹ خیره شده ام. من

قصه شهر

دویدن با «دکتر ماریو» در خیابان حسرت ها

حتی با «سونیک»، در کوچه هایی که سعدی را به مدرسه می رساند، دیده ام. خیابان سعدی با دو چرخه فروشی شروع می شد و بعد می شد در «مہتاب» و کتاب فروشی هایش گم شد و عطر پیراشکی فروشی کنار پاساژ آنا شب تحمل کرد. اما این خوشی ها برای کودکان دردناک بود. گناه گریه کودکان



سعید محمد رضا هاشمی
شاعر و روزنامه نگار

دیگر در ذهنم ثبت شده است. همه آدم ها از کارمندهای بانک های پر شمار «خیابان حسرت ها»، دست فروش های سراب تا قاب سازها و مهرسازهای کوچه و زائران خسته یا تازه به مشهد رسیده از سرما و گرما پناه آورده بودند به دو سیخ کوبیده و گوجه و نان تازه سنگک کبابی خسروی در کوچه شاهین فر کبابی خسروی اگر چه در کوچه شاهین فر بود اما من در خیابان دیگری ثبتش کرده ام. آن خیابان همان خیابان حسرت ها. خیابان سعدی بود با ویتن های پر زرق و برقی که کشتی گیران و فوتبالیست ها را رنگی و سیاه و سفید نشان می داد و می شد ساعت ها به رنگ های زمین چمن و لباس بازیکنان و شادی تماشاگران خیره شد. بعد ها با آمدن میکرو و سگاپلی استیشن این حسرت عمیق تر شد. من زمان های زیادی را با «ماربو» در خیابان سعدی قارچ خورده ام یا به قدرت پای و روبرو کارلوس، در فرقه ۹۹ خیره شده ام. من

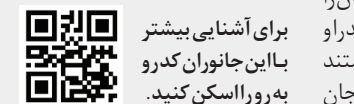
چور و چور

مخلوقاتی که نمی میرند!



شاخه های مرجان سیاه روی تپه ای دریایی

در شرایطی که حداکثر عمر انسان ۱۵۰ سال تخمین زده شده است، برخی جانوران روی کره زمین زندگی می کنند که عمرشان به قرن ها و هزاران سال می رسد. حتی برخی از جانوران این توانایی را دارند که فرایند پیری شان را متوقف یا برعکس کنند. مثلاً هیدرا و عروس دریایی جزوبی مهره گانی هستند که توانایی فنانا پذیری دارند. مرجان



برای آشنایی بیشتر با این جانوران کدرو به رو اسکن کنید.

دمای هوای مشهد

۲۵٪
رطوبت هوا

۳۴° ↑ ۱۹° ↓
ظہر ۳۱

صبح ۱۸
عصر ۲۵
شب ۲۸

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۲:۳۶:۰۲
نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹:۳۵
غروب آفتاب ۱۹:۳۲:۲۷
اذان صبح فردا ۰۴:۱۷:۵۰
اذان مغرب ۱۹:۴۱:۴۶
طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۵:۲۶

SHAHRARANEWS.IR

۲شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

بیت های داخلی در سه پروژه های خارجی

مسابقات چهاردهم

۲۶ مرداد ۱۴۰۱

۱۷ مهر ۱۴۴۴

شماره ۳۷۳۵

شهر

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهرداری مشهد
- مدیر عامل: سید مهتم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۳۷۷۸۸۸۱۱
- نمایان: ۳۷۷۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۷۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

کارتون شهر



فارغ التحصیلان بسیاری در کشور از بیکاری رنج می برند!

شوخی بی شوخی

هر جا سخن از مظلومیت است، نام بانک های ما می درخشد!

بی گناهی بانکی



طبق آخرین گزارش بانک مرکزی که اداره کل ورزش و جوانان استان در اختیار شهرا قرار داده است، خراسان رضوی و خراسان جنوبی به صورت اشتراکی، آخرین رتبه را در اعطای وام ازدواج به دست آورده اند.

به نظر ما که واقعا در حق بانک های استان ظلم شده است و فرت و فرت هجمه رسانه ای علیه آن ها اتفاق می افتد!

باید کارملا به بانک ها حق داد که در پرداخت وام ازدواج سخت گیری کنند، شام عروسی رایک عده قوم و خویش شما خوردند. حالا وام عروسی رایک عده غریبه که نه عروسی دعوت بودند، نه بله بیرون، نه خنایندون، بیایند، بدهند؟ تازه زوج ها گله هم دارند که چرا این قدر برای ضامنی سخت گیری می شود؟؟ کسی هم نیست به آن ها مشهد را به شهری منحصربه فرد تبدیل کرده است. اینکه آدم ویژگی ها و ظرفیت های شهری که در آن زندگی می کند را بشناسد و با محله ها و دیگر جزئیات آن آشنا باشد باعث می شود که قدر حضورش را در آن جغرافیا بیشتر بداند.

مهدی محمدی

طبق آخرین گزارش بانک مرکزی که اداره کل ورزش و جوانان استان در اختیار شهرا قرار داده است، خراسان رضوی و خراسان جنوبی به صورت اشتراکی، آخرین رتبه را در اعطای وام ازدواج به دست آورده اند.

به نظر ما که واقعا در حق بانک های استان ظلم شده است و فرت و فرت هجمه رسانه ای علیه آن ها اتفاق می افتد!

باید کارملا به بانک ها حق داد که در پرداخت وام ازدواج سخت گیری کنند، شام عروسی رایک عده قوم و خویش شما خوردند. حالا وام عروسی رایک عده غریبه که نه عروسی دعوت بودند، نه بله بیرون، نه خنایندون، بیایند، بدهند؟ تازه زوج ها گله هم دارند که چرا این قدر برای ضامنی سخت گیری می شود؟؟ کسی هم نیست به آن ها مشهد را به شهری منحصربه فرد تبدیل کرده است. اینکه آدم ویژگی ها و ظرفیت های شهری که در آن زندگی می کند را بشناسد و با محله ها و دیگر جزئیات آن آشنا باشد باعث می شود که قدر حضورش را در آن جغرافیا بیشتر بداند.

مناجات و حکایات

یکی در نساپور دانی چه گفت
چو فرزندش از فرض خفتن بخت؟
توقع مدارای پسرگر کسی
که بی سعی هرگز به جایی رسی
سمیلان چومی بر نگیرد قدم
وجودی است بی منفعت چون عدم
طمع دار سود و بتسر از زیان
که بی بهره باشند فارغ زیان

بوستان سعدی / در عشق و مستی و شور / بخش ۱۰ / حکایات

اول شخص

هنر زندگی کردن به جای دیگران

درباره ژان ژاک سمیه، یکی از بزرگترین تصویرسازان جهان و خالق شخصیت نیکلا کوچولو، که به تازگی درگذشت

امیرمنصور رحیمیان

«سمیه»، یک نفر نبود. کسی بود که در آن واحد در چندین نفر زندگی می کرد. او شخصیت هایی را دور از مرگ خلق کرد. شخصیت هایی که نشان کم است و تا ابد فرصت زندگی کردن دارند. نیکلا کوچولو، «مارتین پیل»، «مارسولن ریزه»، «اتول تابورن»، «موسیولامبر» و آدم های زیاد دیگری که با خط های او شروع شدند و بعد از او ادامه پیدا می کنند. برای همین هم وقتی حرف مرگ پیش می آید، خیال م راحت است که بعضی آدم ها اصلا نمی توانند بمیرند. سمیه از جهان رفت و برای همیشه به آثارش نقل مکان کرد. او در همین نزدیکی در آثار، کتاب ها و روی جلد نیور کر و بقیه مجلات، زندگی می کند. با این همه، خیلی غم انگیز است که یک نفر به مسافرتی طولانی و بی بازگشت برود. کسی که به شخصیت های کارتون می زنی زبانی زندگی بخشد و با آن ها دنیا را قابل تحمل تر کرد. برای همین این یک نوشته یادداشتی در مورد مسائل ما و راه لطیفه نیست. اتفاقا خیلی هم می تواند واقعی باشد. اینکه یک نفر، می تواند در آن واحد به جای چند آدم زندگی کند، چیز چندان دوری هم نیست. یکی که در جهان ما، خودش پیر و کهن سال باشد و در آن واحد در جهانی دیگر در نقش کودکی پنج شش ساله باشد. بچه هایی که شیطنت می کنند، می دونند، می خندند و نگاهشان به مسائل روزمره آن قدر جذاب است که همه آدم های دیگر بی اختیار عاشقشان می شوند. با اینکه کمی غیر معمول است ولی باید قبول کنیم که حقیقت دارد. یک نفر می تواند خودش را در آن واحد و به تعداد قوه تخیلش تکثیر کند. برای همین است که جمعیت آدم های زنده روی این سیاره، خیلی بیشتر از آنها هستند. در حقیقت علم ما و ربا می نمی تواند آن ها را بشمارد.

روایت روز

در اهمیت مشهدی بودن

سید محمد رضا هاشمی

اینکه مادر مشهد چند محله داریم که با رفتن به آن ها می توانیم با آداب، رسوم، فرهنگ و مردمی با اقوام و حتی دیگر ملیت ها آشنا شویم یکی از مهم ترین ویژگی های مشهد است. ویژگی ای که پایتخت معنوی ایران به دلیل وجود مضجع منور رضوی در این شهر از آن برخوردار است. مثلاً اگر بر روی نرم افزار نقشه یاب موبایلتان بنویسید، خیابان شهید آوینی (گلشهر) در هر جای مشهد که باشید می توانید در کمتر از یک ساعت به محله گلشهر بروید. جایی که بیشترین جمعیت مهاجران افغانستانی را در خود جای داده است. در حال سالی اخیر با افتتاح رستوران هایی که غذای افغانستانی سرو می کنند، جمعیت بیشتری از مشهدی ها و زائران برای تجربه طعم غذای افغانستانی به این محله سفر کنند. شهرک شهید بهشتی که به شهرک عرب ها شناخته می شود هم



افغانستانی نیز وجود دارد و در واقع به شما این فرصت را می دهد که برای چند ساعت به نوعی به افغانستان سفر کنید. شهرک شهید بهشتی که به شهرک عرب ها شناخته می شود هم



عکس روز

اتحاد دو کشور

جمعی از مردم مشهد در حمایت از مردم مظلوم غزه در میدان فلسطین این شهر گرد هم آمدند

عکس: نیما نجف زاده / فوتوشهر